

۱۴۷۲۸۹
۹۴۱۰۱۲

نقد ایام

حسن سبحانی



انتشارات اطلاعات
تهران - ۱۳۹۴

سرشناسه: سبحانی، حسن، ۱۳۳۲-
عنوان و نام پدیدآور: نقد ایام / حسن سبحانی
مشخصات نشر: تهران: اطلاعات، ۱۳۹۴
مشخصات ظاهری: ۵۶۰ ص.
شابک: 978-964-423-993-9

وضعیت فهرست نویسی: فیفا

موضوع: سیاست فرهنگی - ایران - تاریخ - ۱۳۸۴ - ۱۳۹۲ - مقاله ها و خطابه ها
موضوع: ایران - تاریخ - جمهوری اسلامی، ۱۳۸۴ - ۱۳۹۲ - مقاله ها و خطابه ها
موضوع: ایران - سیاست و حکومت - ۱۳۸۴ - ۱۳۹۲ - مقاله ها و خطابه ها
موضوع: ایران - سیاست اقتصادی - ۱۳۸۴ - ۱۳۹۲ - مقاله ها و خطابه ها
شناسه افزوده: مؤسسه اطلاعات
ردی، بدی، آخره: ۱۳۹۴ ن ۲۴۸۴ س / HC ۴۷۵
رده بندی دیویی: ۳۳۰/۹۵۵
شماره کد شناسایی ملی: ۴۰۷۲۲۵



انتشارات اطلاعات

تهران: خیابان میرداماد، خیابان نفت جنوبی، روزنامه اطلاعات، شماره پستی ۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱
تلفن: ۲۹۹۹۳۴۵۵-۶
فروشگاه مرکزی: تهران، بزرگراه حقانی، روبروی ایستگاه مترو، ساختمان روزنامه اطلاعات، تلفن ۲۹۹۹۳۶۸۶
فروشگاه شماره (۱): خیابان انقلاب اسلامی، روبروی دانشگاه تهران، تلفن: ۶۶۴۶۰۷۳۴

نقد ایام

نوشته دکتر حسن سبحانی

براستار: افسانه قارونی
طراح جلد: رضا گنجی
صفحه آرا: رحیم رضایی
حروف نگاری، چاپ و صحافی: مؤسسه اطلاعات
چاپ اول: ۱۳۹۴
شمارگان: ۱۰۵۰ نسخه

قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۲۳-۹۹۳-۹ ISBN: 978-964-423-993-9

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است. Printed in Iran

فهرست

۱۳	مقدمه
۱۵	شقایق‌ها و حادثه‌ها
بخش اول: نقاسای	
۲۱	فصل اول / مدیریت
۲۳	تصمیمات ملی و الزامات فنی
۲۸	مردم‌سالاری دینی و دغدغه‌های گذار
۳۳	پیچیدگی بوروکراسی و ساده‌انگاری اجرایی
۳۸	دولت «اسلامی» و «ملاحظات» اجرایی
۴۴	خودقضاوتی‌ها و خودرضایتی‌ها
۴۹	واگرایی فرصتها و هم‌گرایی حسرتها
۵۴	تشکیلات دولتی و تصمیمات موسمی
۵۹	فرهنگ اداری و کارکرد انفعالی
۶۴	سیاستهای روزآمد و پیامدهای کارآمد
۶۹	پیشانی پدیده‌ها و بی‌اخلاقی رویه‌ها
۷۵	فصل دوم / نهادسازی
۷۷	ضرورت ارزیابی و تداوم دگرگونی (۱)

۸۲	ضرورت ارزیابی و تداوم دگرگونی (۲)
۸۷	ضرورت ارزیابی و تداوم دگرگونی (۳)
۹۲	ضرورت ارزیابی و تداوم دگرگونی (۴)
۹۷	«بایسته»های مغفول و «خسارت»های معمول
۱۰۲	جایگزینی رقیب و حسرت‌های غریب
۱۰۷	تعهدات ملی و رسالت‌های ذاتی
۱۱۳	سیاست‌گذاری‌های علوی و دل‌مشغولی‌های جدلی
۱۱۸	کلام و حیانی و توسعه عقلانی
۱۲۳	حرف و خبرنگاری و بیشه حقیقت‌گزیری
۱۲۹	فصل سوم / انتخابات
۱۳۱	انتخابات خبرگان و مباحثات نخبگان (۱)
۱۳۶	انتخابات خبرگان و مباحثات نخبگان (۲)
۱۴۱	تعصب‌های مرجوع و رسالت‌های مفتوح (۱)
۱۴۶	تعصب‌های مرجوع و رسالت‌های مفتوح (۲)
۱۵۱	تعصب‌های مرجوع و رسالت‌های مفتوح (۳)
۱۵۶	تعصب‌های مرجوع و رسالت‌های مفتوح (۴)
۱۶۱	تعصب‌های مرجوع و رسالت‌های مفتوح (۵)
۱۶۶	تعصب‌های مرجوع و رسالت‌های مفتوح (۶)
۱۷۱	تعصب‌های مرجوع و رسالت‌های مفتوح (۷)
۱۷۶	تعصب‌های مرجوع و رسالت‌های مفتوح (۸)
۱۸۱	تعصب‌های مرجوع و رسالت‌های مفتوح (۹)
۱۸۷	تعصب‌های مرجوع و رسالت‌های مفتوح (۱۰)
۱۹۲	تعصب‌های مرجوع و رسالت‌های مفتوح (۱۱)
۱۹۸	تعصب‌های مرجوع و رسالت‌های مفتوح (۱۲)
۲۰۳	تعصب‌های مرجوع و رسالت‌های مفتوح (۱۳)
۲۰۸	تعصب‌های مرجوع و رسالت‌های مفتوح (۱۴)
۲۱۳	تجمیع انتخابات و ترفیع منویات
۲۱۹	فصل چهارم / احزاب
۲۲۱	تلاش‌های معقول و کارکردهای مغفول

۲۲۶	روتن «لیست» ها و کساد «برنامه‌ها»
۲۳۱	«اخلاق» حزبی و دولت «اسلامی»
۲۳۶	غفلت‌های حتمی و ضرورت‌های قطعی
۲۴۱	اقدامات سیاسی و تغییرات اساسی
۲۴۷	فصل پنجم / سیاست خارجی
۲۴۹	برنامه‌ریزی «هوشیار» و دیپلماسی «فعال»
۲۵۴	سیاست خارجی و درایت داخلی
۲۵۹	زائران کربلا و دیپلماسی پر بلا
۲۶۵	جهان اسلام و غرب‌شناسی
۲۷۰	بیداری اسلامی و راهبرد ضروری
۲۷۵	فصل ششم / رابطه دولت و مجلس
۲۷۷	ملاحظات سیاسی در مشکلات عمومی
۲۸۳	مکاتبات دوگانه و سرخطات چنانچه
۲۸۹	فصل هفتم / مجلس شورای اسلامی
۲۹۱	کارکرد غفلت‌ها و ماهیت عبرت‌ها
۲۹۶	استماع احسن و انتخاب اصلح
۳۰۱	پرسشگری سنجشی و حسابگری مجلسی
۳۰۶	مجلس نهم و بایسته‌های مهم
۳۱۱	تحمیق قانونی و تعمیق اخلاقی
۳۱۷	فصل هشتم / قانون‌گریزی
۳۱۹	گشایشهای محتمل و انحرافات معتبر
۳۲۵	زواج قانون‌گریزی و زوال پاسخگویی
۳۳۰	ضابطه‌های برکنار و سلیقه‌های برقرار
۳۳۶	بدعت‌های غالب و سنت‌های مغلوب
۳۴۲	دیوارهای کج و شاقول‌های معوج
۳۴۷	سیب رعیت و درخت حکومت
۳۵۳	وحدت قانونی و کثرت تضمینی
۳۵۹	فصل نهم / سیستمی نبودن
۳۶۱	کلام گزیده و سیاست سنجیده

۳۶۶.....	بحرانهای حقیقی و راهکارهای مجازی
۳۷۲.....	خواب‌گرفتگی‌ها و آب‌گرفتگی‌ها
۳۷۷.....	آب کوزه و سراب تشنه
۳۸۳.....	فصل دهم / سرمایه اجتماعی
۳۸۵.....	اعتماد مردمی و اعتقاد دینی
۳۹۱.....	تحمل سیاسی و تداوم پیروزی
۳۹۷.....	عرصه‌های حیاتی و مردان سیاسی
۴۰۳.....	فصل یازدهم / ناهمی
۴۰۵.....	رازمانداری و شرط پاسداری
۴۱۰.....	راهبردهای قضایی: کارکردهای تاریخی

بخش دوم: نقد فرهنگی

۴۱۷.....	فصل اول / انفعال
۴۱۹.....	«اشتقاق فرهنگی» و «انفعال ادراکی» (۱)
۴۲۴.....	«اشتقاق فرهنگی» و «انفعال ادراکی» (۲)
۴۲۸.....	میراث مجاهدان و تغییر روزگاران
۴۳۳.....	فصل دوم / سیاست‌گذاری
۴۳۵.....	هم‌گرایی فرهنگی و منافع ملی
۴۴۰.....	سیاستهای فرهنگی و نهضت حسینی
۴۴۵.....	آرمان نقدپذیری و نقد امکان‌پذیر
۴۵۱.....	فصل سوم / رسانه ملی
۴۵۳.....	بلوغ رسانه و تعمیق توسعه
۴۵۹.....	قضاوت تاریخ و تاریخ قضاوت
۴۶۵.....	سیمای «نقد» و نقد «سیمای»
۴۷۱.....	فصل چهارم / عوارض فرهنگی
۴۷۳.....	رویکردهای فرهنگی و پیامدهای ضد فرهنگی
۴۷۸.....	انجماد آموزشی و پریشانی اجتماعی
۴۸۳.....	کنش‌های اجتماعی و واکنش‌های سیاسی

بخش سوم: نقد اقتصادی

فصل اول / آرمان گرایی	۴۹۱
تکوین «انتظار» و تحلیل «اقتصاد»	۴۹۳
آموزش عالی و دانشجوی بولی	۴۹۸
فصل دوم / سیاست گذاری	۵۰۳
عطش هزینه و سراب وظیفه	۵۰۵
توقعات امروز و معضلات فردا	۵۱۰
بقایای مشکلات و زوال محکمت	۵۱۵
اصلاحات لازم و ملاحظات کافی	۵۲۰
فصل سوم / ایده ها	۵۲۷
تحولات در راه تهدیدات همراه	۵۲۹
اسارت «آیده» ها و «حالت» ها	۵۳۵
«منویات» رفتنی و «عبرات» مانده	۵۴۱
فصل چهارم / ربا	۵۴۷
حقیقت برکنار و افسانه برقرار	۵۴۹
بازارهای آلوده و سرمایه داری آشفته	۵۵۵

مقدمه

«نقد» قول و فعل اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی از جمله مقولاتی است که نه تنها کسی با آن مخالفت در کند که عده بسیاری با استقبال از آن، بر قلمرو و دامنه و نفوذ معنوی خویش می افزایند و حجت را از حیث جستجوگری برای ارتقا، متمایز و روشنفکر می نمایند. این واقعیت البته محل تأمل و جای امیدواری است. هرچند آنچه در عمل می گذرد، آن طور نیست که در نظر اراده می شود. بدین معنی که عملاً، هم منتقد و هم نقدشونده، متأثر از محیطی که در آن زندگی می کند و متناسب با درجه توسعه یافتگی یا عقب ماندگی آن، جلوه هایی بعضاً متفاوت از آنچه از نقد انتظار می رود را از خود متجلی می کنند.

شاید این کلام چندان بیراه نباشد که بین توسعه یافتگی و «بطلان» بطله مستقیمی برقرار است. هر قدر جامعه ای توسعه یافته تر باشد، هم منتقد عیب خیزی را به جای نقد بر مسند نمی نشاند و هم نقدشونده با تلقی درست و اصولی از انتقاد، به رفعت جایگاه خویش اهتمام می ورزد و در نتیجه، در مقیاسی که نقد ایجاب می کند، بر سرعت و عمق ادراک خود از پدیده های هستی می افزایند. حقیقتاً به همین دلیل هم هست که در جوامع کمتر توسعه یافته مصطلح، بعضاً عیب جو را در موضع نقد نظاره می کنیم و به همین نسبت تلقی انتقادشوندگان از نقد را هم، نوعی حساب کشی و بهره برداری سیاسی و... می یابیم. امری که احتمالاً هم نقادی و هم نقدشوندگی را از

قابلیت‌های اساسی انتقاد و نقش آن در ارتقای جامعه تهی می‌سازد و حتی در مواردی، کینه و دشمنی و سوءظن را جایگزین فضای آرام و سالم «نقد» می‌نماید. اما آنچه از آن گریزی نیست، اینکه «انتقاد» از چنان مزایا و اصلاح‌گری‌هایی برخوردار است که تا زمان رسیدن جامعه به توسعه‌یافتگی، نمی‌توانیم توقف کنیم و حتی باید در دنیای تنگ و مضیق و محدود توأم با سوء تفاهمات متنوع عقب‌ماندگی نیز، به منظور یافتن راههای برون‌رفت از مشکلات، لحظه‌ای از نقد بایسته غفلت نورزیم. هرچند منافع این مهم که تحت‌الشعاع هزینه‌های آن قرار می‌گیرد، بسیار کمتر از آن باشد که بالقوه انتظارش می‌رود.

کتاب «نقد اسلام» حاوی مقالات و یادداشت‌های مطبوعاتی بسیاری است که به همین انگیزه، در طی سالهای فعالیت دولتهای نهم و دهم و همچنین مجالس هفتم و هشتم و تلاشهای سایر سوا و نهادهای حکومتی در روزنامه جمهوری اسلامی انتشار یافته و اینک مجموعه آن به همت مؤسسه اطلاعات که امتنان صمیمانه‌ام ارزانی ایشان باد، تقدیم علاقه‌مندان به مباحث حاکمیتی از منظر نقد و آسیب‌پذیری می‌شود. بدیهی است حضور دوازده‌ساله مؤلف در ادارات ۵ و ۶ و ۷ مجلس شورای اسلامی از جمله دست‌مایه‌های واقعی‌تر بودن نقدهایی است که در این مکتوب، رد پای آنها بر موضوعات متنوع حاکمیتی، نشانه‌هایی مستقیم و غیرمستقیم از خود بر جای گذاشته است.

امیدوارم این کتاب بتواند طریقی از انصاف در نقد، در تائیدی از تمکین به نقد را در ناقدان و نقدشوندگان، نهادی نماید و داغ و حسرت از نامه‌جانسوزی را که در جامعه ما بین «نقد» و «عیب‌جویی» از یک طرف، و «استماع احسان» و «کینه‌ورزی» از طرف دیگر، وجود دارد، به سردی و سلامت مبدل سازد.

حسن سبحانی

استاد دانشگاه تهران

بهار ۱۳۹۳

شقایق‌ها و حادثه‌ها

در بحبوحه حملات ناجرانمردانه رژیم صهیونیستی به مسلمانان غزه و در حالی که لغات و الفاظ و عبارات ارسن‌ناهمیم و مضامین اصلی خارج شده‌اند حمایت معنوی از محرومان و ستمدیدگان، بصیر چهره نابکار خصم در دل‌نوشته ذیل پیگیری شده است.

سرک کشیدن به گذشته‌های دور
و به یاد آوردن صحنه‌ها و خاطرات قدیم
رسم مألوف در زندگی انسانهاست
و در این گذار پر عبرت و متذکر
ما با هم‌گرایی زمان و مکان حادثه‌ها
در اختیار گرفتن برشهایی از خاطرات و خطرات را
برای خویش میسور می‌کنیم.
رجعت به تاریخ البته نقاط شروعی دارد
نقاطی که به حادثه حضور و وجود وقایع اتفاقیه
بهانه‌های بسیاری را برای تبلور خویش پیدا می‌کنند
هر چند در این ایام سخت، جهاد فی سبیل‌الله
یادآور تکرار تلمبار شده مظلومیت شیعه است

لیکن این حق نادیده انگاشته شده در دریدن و رسوا کردن
استحاله‌کنندگان مدرن «واژه‌ها»

چه اسرار و رموز نافذی را به ساماندهی می‌نشانند
به یاد می‌آورم که در کنجکاوی صباوت عمر
بدون مراجعتی به کتب لغات و تفسیر مفاهیم
به شدت از «شقایق» سرخ و سرخی شقایق، مسرور
اما از سیاهی موجود در هم‌گرایی گلبرگهای سرخ آن بیزار بودم
در آن روزه‌ای پر تصور و مملو از کنجکاوی
آدمهای غیر صاده و دورو را که ظاهر و باطنشان
با هم قابل جمع نبود، شقایق می‌خواندم
ظاهرهای سرخ و باطن‌های سیاه
ظواهر چشمگیر و بواطن دل‌گیر
آدم‌نمایی که عمق رذایل خیرش را با مسکن فضایل عاریتی
پوشش می‌دادند

درست به سان گلبرگهای شقایق که از سیره خشک‌اش است
و مسکن دردهای رحمی

و سیاه‌سرفه و تنگی نفس و تعدیل‌کننده تحریکات عصبی است.
و اینک پر رنگ شدن حضور همان نابکاران منافق و دورو
در عرصه تهاجمی که هر روزه صورت می‌گیرد
و البته شقوق مختلفی را تجربه می‌کند

اینک همان گلبرگهایی که تحریک‌کننده و نشانه حیات هستند
و مضامین آنها با مصادیقی همچون «دمکراسی» و «حقوق بشر»
«حفظ محیط زیست» و «آزادی»

«اصالت انسان» و عدالتی که از ناف «آزادی»

سیراب می‌شود

بر پیکان «بمب» و «گلوله» و «پرنده‌های آهنین»

مؤمن نه چندان امن انسان بی پناه روزگار ما را

آن‌چنان به فروپاشی و بدویت حیوانی قلب‌های سیاه مهاجمان
رسالت داده است که رسالت زینب را در کربلائی
دوران ما به تکراری آهنگین می‌نشانند
درست است که شیره برگ‌های شقایق سیاه دل نعمانی
پوست بدن انسانها را ملتهب و قرمز می‌کند
قبل از آنکه حقوق بشر ناشی از ایدئولوژی آمریکایی را
به محاکمه بکشاند
اما دیگر دیر زمانی است که بشریت از شقایق‌های
سرخ ظاهر و سیاه باطن کاهش دهنده اکسیژن فضای سیاست
بیزار است
اکنون دهه‌های زیادی است که رنج ناشی از ظلم
متکبران بی‌اعتنا به درب غروب نابجای آنان از سوی مظلومان
طلیعه سنت پیروزی حق بر اهل را به شمع نواز کرده است
لیکن در این معرکه سخت و سهر
هر جماعتی را به اندازه تلاش و کوشش رنج می‌نهند
و به راستی ما در کجای این معرکه‌ایم؟
درست است که تشویق و تشجیع مجاهدان راه
جماعات اسلامی را به هم‌گرایی می‌خواند
اما قلوب داغدار زنان و مردانی که فرزندان مجاهد خویش را
در معرکه هجوم نامردمان مرتجع و
در عرصه دیپلماسی مبتنی بر حق «و تو» جهال
لجستیک نبرد همیشگی با ظلم
برای حاکمیت عدالت موعود مهدوی می‌کنند
به اقیانوسی عمیق‌تر از آنچه جهان اسلام به آن می‌اندیشد مشابه است
«مظلوم» نیازی به یاری ندارد که خود یاریگر جستجوگران
هدایت و پیمایش طریق رستگاری است
اما آنها که قلوب خویش را به پاسداری از ارزشهای مظلوم

و خشکانیدن ریشه‌های حیات ظالم مسلح و تجهیز نکنند
به رشد رذایل و مرگ فضایل رضا داده‌اند
و البته چگونگی ارزشیابی هر انسانی
در این تجهیز و تسلیح همیشگی
قالب‌گیری می‌شود.

۱۳۸۵/۵/۱۳

www.ketab.ir